خراسان رضوی

صفحه آخر

یک‌شنبه
۱۵ مرداد ۱۳۹۶
۱۳ ذی‌القعده ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۶۳۱

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام علی (ع)

شجاعت عزّتی است آماده، ترس ذلّتی است آشکار.
شرح آقا سید جمال الدین خوانساری ج ۱، ص ۱۵۲، ح ۵۷۲

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی!
از هیچ، همه چیز توانی و از همه چیز به هیچ نمایی
که گویم چنین یا چنانی، تو آفریننده این و آنی.
ما را سر و سودای کس دیگر نیست از عشق تو
پروای کسی دیگر نیست جز تو
دگری جای نگیرد در دل
دل جای تو شد جای کسی دیگر نیست...

شاعران خراسانی

مولانا

خراسان به روایت خراسان

۱۵ مرداد ۱۳۴۳

گوشم را ببرید، گذاشت کف دستم!

۵۳ سال پیش در چنین روزی، روزنامه خراسان نوشت: به طوری که خبرنگار ما اطلاع داد، شب گذشته مردی به نام اسماعیل نوری به کلانتری ۱۱ آمد و در حالی که گوش خود را کف دست گرفته و به افسر نگهبان نشان می‌داد، گفت: از خیابان عبور می‌کردم که مردی به نام حسن که او را می‌شناختم جلوی من را گرفت و با من گلاویز شد و در این بین گوش مرا برید و کف دستم گذاشت و فرار کرد. مامورین کلانتری ۱۱ به تعقیب حسن پرداختند و او را دستگیر و به کلانتری جلب کردند. حسن در کلانتری اظهارات اسماعیل را تکذیب کرد و پرونده‌ای در این مورد تشکیل شد که صبح امروز به دادسرا فرستاده می‌شود.

سارق ۱۱ ساله دستگیر شد

روز گذشته طفل ۱۱ ساله‌ای به نام حسن که مرتکب چندین فقره سرقت شده بود، توسط مامورین شعبه ۲ آگاهی دستگیر شد و در بازجویی به گناه خود اعتراف کرد اما به جهت کمی سن، تحویل اردوی کار شد.

توزیع میوه و سیگار در بیمارستان روانی

مقدار ۴۵۰ کیلو طالبی و یک هزار عدد سیگار که به وسیله یک فرد خیر تهیه شده بود ساعت ۳/۵ بعد از ظهر سه شنبه ۱۳ تیر در بین کلیه بیماران بیمارستان حجازی توزیع گردید.

تلفن، عدمش به ز وجود است

مدتی قبل در مورد وضع نابه سامان تلفن قوچان مطلبی در این روزنامه نوشته و از مسئولین شرکت خواستیم که برای رفع معایب و نقایص تلفن این شهر، اقداماتی بنمایند.

شرکت تلفن در پاسخ همان مطلب نوشت که به زودی در قوچان دستگاه تلفن جدیدی نصب خواهد شد و البته این وعده مردم را خوشحال کرد و امیدوار شدند که به زودی از شر قارقارک‌های فرسوده فعلی رهایی خواهند یافت. اما اکنون که دو ماه از آن تاریخ می‌گذرد، هنوز کوچکترین اقدامی در این مورد معمول نگردیده است و معلوم هم نیست که بالاخره اقدامی خواهد شد یا نه؟

از طرفی وضع فعلی تلفن، مردم را معذب و ناراحت کرده است. با تمام کوشش مسئولین، وضع نابسامان است و اگر کسی بخواهد با جایی تماس بگیرد حتما باید یک ربع ساعت معطل شود و این، البته از مواردی است که عیوبی نظیر اشتباه اتصالی و... پیش نیاید.

روز گذشته یک نفر از اهالی قوچان در حالی که از شدت عصبانیت صورتش گل انداخته بود، به دفتر نمایندگی این روزنامه آمد و گفت: اگر دستگاه تلفن فعلی را که تاریخ ساختش به عهد بوق مربوط می‌شود جمع کنند، به مردم قوچان خدمت بزرگی انجام داده‌اند زیرا در این صورت خیال مردم راحت خواهد شد که مشکلاتشان در دو کلمه خلاصه می‌شود: «تلفن نداریم!» ولی وضع فعلی برای مردم هزاران مشکل به وجود آورده است.

مردم امیدوارند شرکت تلفن با توجه به توسعه شهر شیروان و تمرکز تیپ در این شهر، در اسرع وقت برای بهبود وضع تلفن این شهر اقدامات لازم را معمول دارند.

نمای قدیمی

ایوان عباسی صحن عتیق (انقلاب) - این یکی از قدیمی‌ترین عکس‌های مشهد است که آنتونیو جانوتزی (یا آن گونه که رایج‌تر است جیانوزی) در سال ۱۲۳۷ خورشیدی ثبت کرده است. منبع: کانون هم‌اندیشی معماری مشهد

بازار روز

منبع: سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی

کالا	قیمت(تومان)	واحد
گوجه فرنگی	۱۹۰۰	کیلوگرم
سیب زمینی	۱۲۰۰	کیلوگرم
پیاز زرد	۲۲۰۰	کیلوگرم
عدس کانادایی	۵۶۰۰	کیلوگرم
لوبیا قرمز	۷۸۰۰	کیلوگرم
روغن نباتی ذرت	۲۵۵۰۰	حلب ۴/۵ بدون پالم

کالا	قیمت(تومان)	واحد
برنج پاکستانی درجه یک	۷۳۰۰	کیلوگرم
روغن مایع	۵۳۰۰	بطری ۸۱۰ گرمی
مرغ گرم	۷۵۰۰	کیلوگرم
گوشت گوسفندی (لاشه)	۳۹۵۰۰	کیلوگرم
گوشت گوسفندی (ران بی چربی)	۴۹۵۰۰	کیلوگرم

سرزمین من

رفیع طلب

گفت‌وگو با مردی که اهالی چند روستا را کتاب خوان کرد:

از زباله‌دان، سالن مطالعه ساختیم

باور دارد معلمی تنها خلاصه نمی‌شود به مشق دادن پای تخته سیاه، بلکه باید با فکری نو، تحولی هر چند کوچک در جامعه ایجاد کرد. کافی است چشمانمان را باز کنیم و از بعیدترین امکانات بهترین بهره را ببریم، حتی اگر این امکانات خرجین و قاطری باشد که بتوان بر پشتش کتاب سوار کرد و به محروم‌ترین نقاط این سرزمین رساند. «سید اسعد فیض» مدیر ایده‌پردازی است که از کمترین امکانات، با خلاقیت خود، بیشترین بهره را برده و محصول تلاش‌هایش، کتاب‌خوان کردن مردمانی بوده که در روستاهای محروم، از این نعمت بی‌بهره بوده‌اند. بی‌بهانه به سراغ این چهره فرهنگی رفتیم و با او از ایده‌ها و اقداماتش گفتیم:

برنامه‌ای برای وقت‌هایی که با چرت زدن زیر آفتاب هدر می‌شد

سید اسعد فیض، ۵۲ ساله است و ۲۹ سالی می‌شود که در آموزش و پرورش مشغول به کار است. عمده فعالیت‌های او در مناطق محروم این خطه تمرکز یافته، از حاشیه شهر مشهد گرفته تا جاده میامی و جیم‌آباد. از سال ۸۴ نیز در روستای مارشک واقع در جاده سد کارده، مشغول به خدمت است. یکی از اقدامات مهم او، کتاب‌خوان کردن اهالی چند روستا بوده است که درباره آن چنین می‌گوید: لیسانس مدیریت خانواده دارم و دو سال در روستای مارشک معلم بودم. چند وقتی است که سمتم به مدیریت ارتقا یافته و حالا شش روستا تحت نظارت من هستند و هر سال در یک روستا مستقر می‌شوم.

وی می‌افزاید: در مدت حضورم در روستا، اتفاقاتی رخ داد که عزم مرا برای بعضی تغییرات فرهنگی جزم کرد. باور دارم که نقش معلم به درس دادن سر کلاس خلاصه نمی‌شود، پس برای ایجاد تغییر، آستین بالا زدم. یکی از نکاتی که توجه من را جلب کرد این بود که اهالی روستا در اوقات فراغتشان برای ساعت‌ها در آفتاب می‌نشینند یا گپ می‌زنند یا چرت. خلاصه این ساعت‌ها و دقایقی که این گونه می‌گذشت، حیف بود. پس تصمیم گرفتم سرگرمی جدیدی برای فراغت آن‌ها فراهم کنم و برای این منظور کتابخانه‌ای ایجاد کردم. گام اول را با ایجاد کتابخانه‌های کلاسی برداشتم. اندک اندک میزان زیادی کتاب جمع‌آوری شد و به فکر ایجاد یک مرکز فرهنگی و کتابخانه افتادم. مدرسه‌ای داشتیم که مترو که شده بود. از این فرصت استفاده و فضای این مدرسه را تعمیر کردیم و به یک مجتمع فرهنگی تغییر دادیم. این را هم بگویم هزینه‌های این اقدام را خود روستاییان و معلمان همان آبادی تامین کردند. وی ادامه می‌دهد: همزمان بعضی سازمان‌ها نیز تعدادی قفسه، میز و صندلی اهدا کردند و این مکان را به یک کتابخانه تبدیل کردیم تا هم بچه‌های مدرسه از آن استفاده کنند و هم اهالی روستا. در وسط این روستا، سوله‌ای با قدمت ۱۰۰ سال وجود داشت که به انباری زباله تبدیل شده بود، پس از چند ماه پیگیری بالاخره توانستیم شورا و دهیاری را متقاعد کنیم این مکان را در اختیار ما قرار دهند. از این مکان هم یک سالن مطالعه ساختیم. فیض تاکید می‌کند: مجموعه‌هایی نظیر آستان قدس، ارشاد و... نیز حمایت‌هایی از این ایده داشتند و حتی این اتفاق باعث شد تا فکر پیاده‌سازی همین طرح در روستاهای جونگ و بالغور هم مطرح شود و به سرانجام برسد.

دعوا بر سر روزنامه

فیض از جمع‌آوری حدود ۱۵ هزار جلد کتاب با مشارکت مردم و نهادهای مختلف می‌گوید و تعریف می‌کند: برای ما این نگرانی وجود داشت که روستاییان به خصوص کسانی که سن و سالی از آن‌ها گذشته بود، استقبالی از مطالعه نداشته باشند و به همین دلیل تصمیم گرفتیم، روزنامه در اختیار آن‌ها قرار بدهیم تا لااقل عکس‌هایش را تماشا کنند. با مشارکت روزنامه‌های استان، ۱۸ اشتراک روزانه دریافت کردیم. در این میان استقبال اهالی از روزنامه ما را متعجب کرد به طوری که سر آن در روستا دعوا بود و هر از گاهی اهالی من را که می‌دیدند گلایه می‌کردند سهمی از مطالعه آن نبرده‌اند. شاید باورتان نشود حتی افرادی سواد روستا هم مشتاق دریافت روزنامه بودند تا افراد خانواده‌شان مطالب آن را برایشان بخوانند. در نهایت فیض، مدرسه مترو که روستای مارشک را به یک فرهنگسرا تبدیل و در آن کلاس‌های آموزشی نیز برگزار می‌کند.

کتابخانه سیار بر پشت الاغ

فیض یادآور می‌شود: دختران روستا معمولا به کار خانه مشغول هستند یا دانه‌های تسبیح را رنگ و نخ می‌کنند که دستمزد بسیار اندکی نیز برای آن دریافت می‌کنند. اما حیف بود که همه اوقات این دختر کان صرف این کار شود، تصمیم گرفتیم بستری فراهم کنیم تا آن‌ها هم به کتاب دسترسی پیدا کنند. پس کتاب‌ها را در خرجین الاغی ریختیم و در کوچه‌پس کوچه‌های روستا راه افتادیم و در خانه‌ها را می‌زدیم. هر کس هر تعداد کتاب می‌خواست، در اختیارش قرار می‌دادیم و حتی سفارش‌ها را نیز ثبت می‌کردیم و در مراجعه بعدی به وی می‌رساندیم. این روند تاکنون ادامه پیدا کرده است و آن‌ها هر روز به طور متوسط به ۵۰ خانه سر می‌زنند. وی درباره نتیجه این کار می‌گوید: کار به جایی رسید که باز عده‌ای از من گلایه می‌کردند که چرا دیر به دیر به ما سر می‌زنید یا چرا در خانه ما نمی‌آیید اما خوشبختانه حالا یا خانم‌های روستا خودشان به کتابخانه مراجعه می‌کنند یا فرزندانشان را برای دریافت کتاب می‌فرستند. فیض علاوه بر ارتقای فرهنگ کتاب‌خوانی، به ورزش این روستاییان نیز توجه کرده است. وی در این باره می‌گوید: ساختمان خالی دیگری روبه‌روی مدرسه روستا وجود داشت که مترو که‌ها شده بود. به ریش سفیدان روستا پیشنهاد کردم این مکان را نیز در اختیار من قرار دهند تا آن را تبدیل به سالن ورزشی کنم که خوشبختانه به خوبی نیز تجهیز شد و در آن وسایل بدن‌سازی برای استفاده همزمان ۵۰ نفر مهیا کردیم.

دختری که تا به حال عروسک نداشت

در وسط این روستا، سوله‌ای با قدمت ۱۰۰ سال وجود داشت که به انباری زباله تبدیل شده بود، پس از چند ماه پیگیری بالاخره توانستیم شورا و دهیاری را متقاعد کنیم این مکان را در اختیار ما قرار دهند. از این مکان هم یک سالن مطالعه ساختیم

فیض عقیده دارد کار فرهنگی سخت و دیر بازده است اما نتایج بسیار موثری دارد. او همچنین همه این اتفاقات نیک را از برکت حضور ۱۱ ماهه خود در جبهه‌های جنگ می‌داند که برایش حکم دانشگاه را داشته است. او به یکی از ماندگارترین خاطراتش در مسیر این رسالت فرهنگی اشاره می‌کند و می‌گوید: شب عید برای یکی از دختران روستا که پدرش به دلیل حمل مواد مخدر در زندان بود، عروسکی هدیه خریدم. آن دختر ک با دیدن عروسک از خوشحالی فریاد کشید، خانواده‌اش گفتند او تا به امروز هیچ عروسکی نداشته است و شما انگار دنیا را به او داده اید. این موضوع مرا به شدت متاثر کرد که چطور در دل محرومیت‌ها، یک دلخوشی کوچک می‌تواند چیزی شبیه به خوشبختی باشد.

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

گل آرایی‌های حرم رضوی، یکی از نکاتی بود که در حاشیه جشن میلاد امام رضا(ع)، مورد توجه مخاطبان در شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت.

تصویری از یک در متفاوت و قدیمی در مشهد

صفحه برزوار جمند، بازیگر با این عکس قدیمی از پدرش انوشیروان ارجمند به روز شد.

سید علی صالحی، بازیگر، این عکس را در کنار مادرش در حرم رضوی ثبت کرد و با مخاطبانش در صفحه اینستاگرام به اشتراک گذاشت.

یادداشت

ابراهیم بای سلامی

عضو شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری

توسعه گردشگری پزشکی با گفتمان سازی ممکن می‌شود

توسعه روز افزون صنعت گردشگری و تجهیزات ارتباطی در جهان موجب شده است گردشگری پزشکی و سلامت، به عنوان یک ظرفیت مهم در راستای ارائه خدمات تخصصی این حوزه به گردشگران خارجی معرفی شود.

گردشگری پزشکی شاخه‌ای از گردشگری سلامت است که در آن شخص از کشوری پیشرفته به سایر نقاط دنیا سفر می‌کند تا از خدمات پزشکی کشور مقصد در مراکز درمانی بهره‌مند شود. در اغلب موارد، هدف از گردشگری پزشکی، بهره‌مندی از قیمت پایین خدمات پزشکی یا دریافت سریع‌تر خدمات در سایر نقاط دنیاست.

گردشگری پزشکی با سفرهای معمولی پزشکی متفاوت است. در سفرهای معمول، شخص از کشوری کمتر توسعه یافته برای دریافت خدمات پزشکی به کشورهای پیشرفته می‌رود و دلیل آن نبود خدمات مشابه در کشورش است. در حالی که در گردشگری پزشکی خدمات مشابه ارائه می‌شود ولی گردشگری کشور دیگر را ترجیح می‌دهد.

در واقع در گردشگری پزشکی دو صنعت با هم ترکیب می‌شوند، نخست صنعت پزشکی است که خوشبختانه ایران از نظر تخصصی و دانش فنی و بستر عملیات اجرایی آن در رده‌های بالای جهانی قرار دارد، دوم صنعت گردشگری است که مجموعه فعالیت‌های مربوط به مهمانداری، هتلینگ، راهنمایی و همانند این خدمات را شامل می‌شود.

صنعت گردشگری پزشکی که خود مهم‌ترین شاخه گردشگری سلامت به شمار می‌رود، بستر مناسبی برای کسب درآمد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. بسیاری از کشورهای در حال توسعه در نظام برنامه ریزی و سیاست گذاری‌های ملی و بین المللی خود، توجه ویژه‌ای به این نوع گردشگری تخصصی داشته اند. چنان که بر اساس آخرین آمار منتشر شده سازمان جهانی گردشگری، سالانه حدود ۱۰۰ میلیارد دلار از صنعت گردشگری سلامت، درآمد حاصل می‌شود. گردشگری سلامت چهار بخش و مولفه تفکیک شده اعم از گردشگری پزشکی، درمانی، تندرستی و پیشگیرانه دارد که از این میان ۷۰ درصد درآمد این صنعت مربوط به گردشگری پزشکی است.

ایران نیز در این صنعت از ظرفیت‌های بالقوه بسیاری برخوردار است. به طوری که بیشتر منابع، پزشکان ایرانی را در دنیا قابل اعتماد می‌دانند و کشورمان را مقصدی ارزان و با کیفیت از نظر این نوع خدمات تلقی می‌کنند. ورود این گونه گردشگران به کشور در ارتقای کیفی سطح خدمات پزشکان ایرانی موثر است و این امر به بهبود وضع درمانی و تعالی خدمات بیمارستانی نیز کمک می‌کند.

همچنین می‌توان با رونق گردشگری پزشکی از مهاجرت پزشکان ایرانی به خارج از کشور جلوگیری و به معنای واقعی به ارتقای خدمات، ایجاد اشتغال بیشتر و توسعه گردشگری کمک کرد. استان خراسان رضوی نیز از استان‌های پیشتاز در صنعت گردشگری پزشکی است که چهار سال میزبانی برگزاری کنفرانس‌ها و جلسات سالیانه گردشگری سلامت کشورهای اسلامی را عهده دار بوده است.

متاسفانه با وجود ظرفیت بالقوه بسیار در بخش گردشگری پزشکی کشورمان، تاکنون به دلیل اتکا به روش‌های سنتی جذب گردشگر و پراکندگی امور در این حوزه، موفقیت چندانی کسب نشده است. شاهد این مدعا آشفتگی موجود در صنعت گردشگری پزشکی کشور است که باعث شده تا واسطه‌ها و دلالان آن را اداره کنند و سامان دهی برندهای معتبر در این حوزه وجود نداشته باشد، لذا این بخش به شدت نیازمند گفتمان سازی و سامان دهی است.

در وهله نخست برای سیاست گذاری در گردشگری پزشکی باید عوامل موثر بر توسعه این صنعت در کشور شناسایی و اولویت گذاری و با توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های موجود، در این حوزه سرمایه گذاری شود.

دنبال کردن برنامه‌های بلندمدت و جامع، می‌تواند مسیر پیش رو را در زمان کمتری هموار سازد. نکته دیگری که باید به آن توجه ویژه شود، سامان دهی و برندسازی در عرصه گردشگری پزشکی است تا گردشگران این حوزه با اعتماد و اطمینان بیشتری ایران را به عنوان مقصد درمانی انتخاب کنند. در کنار خدمات درمانی، سطح خدمات پذیرایی و هتلینگ نیز باید ارتقا یابد و نیاز گردشگران این حوزه به خوبی شناسایی و پوشش داده شود.

به عبارت دیگر سامان دهی گردشگری پزشکی در گرو اهمیت یافتن برندهای معتبر و شخصیت‌های حقوقی ارائه کننده خدمات پزشکی و گردشگری است.

همچنین توسعه این صنعت مستلزم توسعه گفتمان گردشگری پزشکی در بین پزشکان، متخصصان و حتی پزشکان عمومی است. همچنین باید امکانات زیرساختی لازم برای رشد این صنعت در کشور فراهم شود. هم اکنون بسیاری از بیمارستان‌ها از نظر امکانات و تجهیزات در رده میانی قرار دارند که باید مجهزتر شوند، چرا که بیمارستان‌های کشورهای رقیب در این صنعت همچون ترکیه و امارات از امکانات زیرساختی بهتری برخوردارند. حال اگر زیرساخت‌های مربوط به این صنعت فراهم باشد، از یک سو گردشگران از امکانات رفاهی و درمانی مطلوبی برخوردار خواهند شد و از سوی دیگر صنعت گردشگری پزشکی از حالت پراکنده و محدودیت‌های فعلی که تاکنون در اختیار دلالان و افراد غیر متخصص بوده رهایی خواهد یافت و بستری فراهم خواهد شد تا ایران به عنوان قطب گردشگری پزشکی در منطقه شناخته شود.